

ملاحظاتى چند راجع به

وصف «مدینه فاضله» در نظم فارسى*

تصاویر جامعه خیالی ایده آل یا «مدینه فاضله» که از طرف متفکران بزرگ غرب مانند افلاطون و توماس مور و راجریکن و کمپانلا و غیر هم و همچنین از طرف فارابی فیلسوف شهیر مشرق زمین طرح شده خیلی مشهور است و بطور مفصل تحقیق شده است.

اما تصویر «مدینه فاضله» که نظامی گنجوی سیصد سال قبل از «اوتاپی» توماس مور در «اقبال نامه» خود و پس از آن عبدالرحمان جامی در مثنوی «خردنامه اسکندری» ایجاد نموده اند متأسفانه چنانکه باید و شاید دقت متخصصین را هنوز بخود جلب نموده است.

اگر اشتباه نکنم استاد فقید پروفیسور برتلس نخستین مستشرقى بود که موضوع «مدینه فاضله» را در آثار نظامی و جامی بحث نموده اند. عربی که ذیلاً بسم حضار محترم میرسانم مبنی بر نتایج تحقیقات استاد مذکور و ادامه کار ایشان است.

در ضمن شعرای بزرگ دوره کلاسیک یعنی فردوسی و نظامی و امیر خسرو دهلوی و جامی و علیشیرنوائی که داستان قدیم افسانه اسکندر را لباس نظم حماسی پوشانیده اند تنها نظامی و جامی در ضمن سرگذشت اسکندر تصویر «مدینه فاضله» را جای داده اند.

مقصود من از این سخنرانی تنها ملاحظات قیاسی راجع به ساخت و ترتیب اصولی «مدینه فاضله» در اثر نظامی و در اثر جامی میباشد.

نظر باینکه متن فصلهای مطلوب چه از آن نظامی (و تعداد ابیاتش ۹۴ است) و چه از آن جامی (و تعداد ابیاتش ۶۰ است) بی شبهه بر اکثریت حضار معلوم است، از تکرار آن خودداری کرده تنها توجه سامعین را به ۶ بیت ذیل که از نظر اصل مقصود من دارای اهمیت عمده میباشد جلب می نمایم. شیخ نظامی در جواب اهل «مدینه فاضله» خود به سوالهای اسکندر میفرماید:

* این ملاحظات در کنفرانس جهانی ایران شناسان بصورت سخنرانی ایراد گردیده است.

۱ - چو عاجز بود یار یاری کنیم

چوسختی برد رستگاری کنیم

۲ - وراز ما کسی را زیانی رسد

وز آن رخنه ما را نشانی رسد

۳ - بر آریمش از کیسه خویش کام

بسرمایه خود کنیمش تمام

۴ - ندارد ز ما کس ز کس مال بیش

همه راست قسمیم در مال خویش

۵ - شماریم خود را همه همسران

نخندیم بر گریه دیگران

۶ - ز دزدان نداریم هرگز هراس

نه در شهر شخته نه در کوی پاس

از مضمون این ابیات قبل از همه چنین نتیجه سر میزند که اساس سازمان «مدینه فاضله» نظامی عبارت از سه مواد ذیل است:

۱ - تعاون مادی متقابل افراد این جامعه (ابیات ۳ - ۱)

۲ - تساوی حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه (ابیات ۵ - ۴)

۳ - عدم هر نوع حکومت جبری (بیت ششم از ابیات مذکور)

اما مسئله امنیت (یا «حفاظ» عبارت خود نظامی) «مدینه فاضله» از دایره توجه دقت ایجاد کننده آن دور نیافتاد. ترتیب این امنیت بعقیده نظامی عبارت از امنیت داخلی و امنیت خارجی است. راجع به امنیت داخلی نظامی میفرماید:

۱ - کسی گیرد از خلق با ما قرار

که باشد چو ما پاک و پرهیزگار

۲ - چو از سیرت ما در گریز شود

ز پرگار ما زود بیرون شود

بعبارت دیگر، با آنکه دخول به جامعه کاملاً آزاد و اختیاری بوده است برهم زنان نظم آن از طرف خود جامعه طرد و دور کرده میشوند و اما امنیت خارجی «مدینه فاضله» را نظامی بعهده خداوند عادل و قهار محول میکند، خداوندی که دشمنان خارجی «مدینه فاضله» و حیوانات درنده را که باموال و آسایش آن سوء قصد میکنند بجزای سخت میرساند بلکه هلاک میکند. چنانکه در ضمن حکایت از ورود اسکندر بمدینه فاضله میگوید:

۱ - ز لشکر یکی دست برزد فراخ

کز آن میوه ای برگشاید ز شاخ

۲ - نچیده یکی میوه تر هنوز

ز خشکی تنش چون کمان گشت کوز

۳- سواری دیگر گوسفندی گرفت

تبش کرد و ز آن کار پندی گرفت
و همچنین میفرماید در جای دیگر داستان:
اگر گرگ بر میش ما دم زند

هلاکش در آن حال بر هم زند
گر از کشت ما کس برد خوشه‌ای

رسد بر دلش تیری از گوشه‌ای
علاوه بر این از ابیات فراوان این باب واضح میشود که موفقیت
«مدینه فاضله» بعقیده نظامی هم نتیجه پارسائی و تدین و حسن اخلاق
اهل آن است.

باید قید بکنم که تاثیر عمومی که «مدینه فاضله» نظامی شخصا
بر من میبخشد تاثیری است سرشار از خوشبینی و زنده دلی بی‌پایان.
واقعا مدینه خرم و لطیف که اهالی آن مردمان خرسند و تندرست و
نسبتا آزادند.

این است تصویر تعمیم شده «مدینه فاضله» در اقبال نامه نظامی
گنجوی.

و اما «مدینه فاضله» جامی از چندین لحاظ با آن نظامی مغایرت
دارد و حالا چند اختلافی را که بیشتر اهمیت دارند ذکر میکنیم:

فرق اول

قبل از همه جامی ورود اسکندر به «مدینه فاضله» را تماما حذف
کرده و در تصویر او نه از شهر خرم و آبادانی که نظامی آنرا چنان ماهرانه
نشان میدهد خبری است و نه از استقبال پر دبدبه‌ای که ساکنان مدینه
از سکندر میکنند. نشانی هم از جزای دو سرباز که دست غارت به اموال
مردم دراز میکنند در آن نمی‌بینیم. بعبارت دیگر جامی در آغاز
حکایت جامعه خیالی خود را از خصلتهای واقعی و عملی عاری ساخته
بجای آن لباسهای تجرید و التزاع میپوشاند.

فرق دوم

اگر در تصویر نظامی اهل مدینه فاضله او بی خیال از ترس و خوف
مرك خوش و خرم زندگی میکنند، جامی در آستانه هر يك از ساکنان
مدینه خود قبر وحشت انگیزی تعبیه میکند تا هر لحظه ترس مرك و
عقوبت از نظر ساکنان دور نشود.

فرق سوم

در داستان جامی مسئله حفظ و امنیت داخلی و خارجی که مورد
نظر و توجه نظامی بوده اصلا وجود ندارد.

فرق چهارم

در خاتمه داستان «مدینه فاضله» جامی يك موضوع كاملا تازه را اضافه کرده که در داستان نظامی نیست . منظورم ملاقات اسکندر با پیر نورانی درزی پیشه و صحبت آنها میباشد . ظهور این پیر و سیمای اسرار آمیز صوفیانه او امر تصادفی نیست و كاملا وابسته به علاقه صوفیانه نقشبندیه خود جامی است .

فرق پنجم

نظامی بزبان اسکندر عقیده خود را راجع به «مدینه فاضله» اظهار نموده آن را چون بهترین و کاملترین ساختمانهای اجتماعی تعریف کرده و ابیات فراوانی درین باره سروده بدان ابیات داستانرا بانجام میرساند ، درحالیکه جامی از بهادادن به تصویر خود از مدینه فاضله كاملا خودداری نموده است .

چنین اند علامتهای مشخصه اصلی و فرقهای دو تصویر از «مدینه فاضله» که دو متفکر بزرگ طرح نموده اند .

حدس میزنم که این فرق و این اختلاف نه تنها اختلاف دو شخصیت جداگانه است ، بلکه اختلاف در نظریه فلسفی و دو طرز تفکر و دو جهان بینی است که نظریه اول یعنی نظریه نظامی خیلی واقع بین تر و عملی تر می باشد ، درحالیکه مفکوره جامی میل به تجرید اسپیریتوالیستی و انتزاع دارد .

ملاحظات مزبور قابل قبول متخصصین باشد یا نباشد - متخصصین خود قضاوت کنند ، ولی بگمانم جای شك و تردیدی نیست که شیخ نظامی گنجوی همچون نخستین مؤلف موضوع «مدینه فاضله» در ادبیات کلاسیک فارسی لایق آن هست که نام او در قطار دیگر سرایندگان بزرگ مدینه فاضله دنیا قرار بگیرد .

پرتال جامع علوم انسانی